دکترحمید شایان

مکان یابی سکونتگاه های خدماتی برتر بر اساس فن ارزشیابی مشارکتی در شهرستان مشهد

چکیده

مشارکت اجتماعی، با وجود جذابیّت ، در بخش اعظم توسعه‌ی روستایی به دلیل نبود روش‌های عملی مؤثّر، هنوز در سطح ایدئولوژیکی، ایده آلیستی و شعاری تبلیغاتی مانده است.این در حالی است که یکی از ضرورت‌های توسعه‌ی روستایی، اجرای طرح هایی است که از بالاترین سطح پذیرش اجتماعی برخوردار باشد. ازجمله ی این طرح ها، مکان یابی و تجهیز سکونتگاه های خدماتی برتر در سطوح منظومه ،مجموعه و حوزه هاست. روشن است که به دلیل تعدد و پراکندگی شدید روستاها، تا کنون توجّه کافی به الگوسازی مشارکت جامعه ی روستایی در ارتباط با موضوع مطالعه نشده است.در این تحقیق با کاربرد فرایندی عملی مرکّب از الگوهای محیطی و اجتماعی،نخست سکونتگاه های مناسب از نظر شرایط محیطی شناسایی شد. سپس در قالب روش ارزشیابی مشارکتی از میان ۳۳۹ روستای دارای بیش از بیست خانوار جمعیّت و پنج نقطه‌ی شهری درشهرستان مشهد،۵۴ سکونتگاه برتر برگزیده شده اند. سطح مرکزیّت آن ها منطبق بر قوانین مصوّب به ترتیب شامل دو منظومه‌ی قوی(مشهد و مشهدقلی)، چهار منظومه‌ی ضعیف(شاندیز،رضویه،طوس سفلی و طرقبه)،پنج مجموعه‌ی قوی(دوست آباد،نوده،گرجی سفلی،آبروان و تپه سلام)، هفده مجموعه‌ی متوسط و ضعیف،دوازده حوزه‌ی قوی وچهارده حوزه‌ی ضعیف تعیین شده اند.

کلیدواژه‌ها: مشارکت،سکونتگاه های خدماتی برتر،سطح پذیرش اجتماعی، شهرستان مشهد.

تاریخ دریافت: ۸۷/۴/۲۲   تاریخ تصویب:۸۷/۱۲/۱۴

درآمد

ایران، از جمله کشورهایی است که متأسفانه در آن فاصله‌ی بین تصویب قوانین با اجرای آنها، به ویژه قوانین مرتبط با توسعه‌ی روستایی، زیاد است. برای مثال در ساده ترین شکل آن، مانند طرح سالم سازی آب آشامیدنی روستاهای دارای بیش از ۲۵۰ تن جمعیّت ، با وجود تصریح در برنامه‌ی چهارم عمرانی، سال‌های ۵۱-۱۳۴۷ (آسایش ، ۱۳۷۶: ۶۱ و حسینی ابری، ۱۳۸۰: ۲۷۹) هنوز به طور کامل عملیّاتی نشده است. هم چنین،مکان یابی و تجهیز سلسله مراتبی مراکز روستایی در برنامه های دوم و سوم توسعه‌ی جمهوری اسلامی،سال‌های ۸۳-۱۳۷۴(مطیعی،۱۳۸۲: ۵۳ و سازمان برنامه و بودجه،۱۳۸۷: ۲۹۴)و نیز تصویب قانون دهیاری ها در سال۱۳۷۷(رضوانی،۱۳۸۳: ۲۲۹)از دیگر مواردی هستند که کم و بیش در حاشیه قرار گرفته و یا به نحو مؤثّر عملیّاتی نشده اند.

از مهم ترین دلایل عدم توفیق در پیشبرد به موقع طرح های روستایی را باید در عدم بازنگری بنیادین الگوهای پیشین با توجّه به جوانب فلسفی ، نظریّه‌ای و واقعیّت های موجود جستجو کرد.در این بازنگری دو وجه مهم و مرتبط به هم عبارت‌اند از: تأکید بر فرایندهای مشارکتی و اولویّت طرح های محلّی -عملیّاتی. ملاحظه‌ی نظریّه ها و الگوهای کارآمد رایج، نشان می دهد که دوره معاصر، عصر "مشارکت عمومی" و بازنگری در الگوهای قبلی برنامه ریزی و توسعه‌ی روستایی است. این رویکرد ، تأکید بر فرایندهای اجماع سازی و برنامه ریزی اجتماعی ازطریق مشارکت آزاد مردمی دارد، بنابر این برای آنهایی که سعی در رهایی از محدودیّت های تحلیل عقلانی سنتی (ماکیاولی) دارند، جذّاب است (رهنما، ۱۳۸۵: ۹۵۶). با این وجود ، کمتر به شیوه‌ی حلّ مشکل مبتنی بر نیاز سنجی و مشارکت اجتماعی در فرایند برنامه ریزی روستایی توجّه شده است . به همین دلیل طرح‌های محلّی به عنوان طرح‌های عملیّاتی مؤثّر در توسعه‌ی روستایی با مشکل اجرایی روبرو می شوند. در واقع، تهیه و اجرای این طرح‌ها با مشارکت مردم ، نهاد های دولتی و غیر دولتی، می‌تواند ضعف نظام برنامه ریزی متمرکز را برطرف سازد (رضوانی،۱۳۸۳: ۲۶۳).

در این مقاله، با ارائه ی فرایندی ساده و مؤثّر در چارچوب روش ارزشیابی مشارکتی به مکان یابی سکونتگاه های مرکزی در سطوح قانونی مصوّب ؛ منظومه ، مجموعه و حوزه در شهرستان مشهد، پرداخته شده است. در نهایت به برخی تباینات نسبت به طرح های مطالعاتی پیشین(پاپلی،۱۳۷۴،جهاد

سازندگی،۱۳۷۹و شایان،۱۳۸۲)دست یافته‌ایم. طرح‌هایی که با وجود ارزش بسیار، فاقد نظر سنجی از نمایندگان معتمد روستاهابوده اند.اگر چه در برخی منابع، اشاره شده است که در مواردی می توان از طریق مطالعات تکمیلی –میدانی به بیشترین میزان انطباق با مکان های مرکزی منتخب بر اساس الگوهای غیر مشارکتی دست یافت (مطیعی،۱۳۸۲: ۱۴۹ و جهانی، ۱۳۷۵: ۴۷)ولی از چگونگی الگوی میدانی - تکمیلی مورد اشاره سخنی به میان نیامده است. این در شرایطی است که یکی از مهم ترین مسائل روستایی ایران، چگونگی ساماندهی سلسله مراتبی سکونتگاه هاست، تا حدّی که بدون آن، زمینه سازی مناسب برای به سازی و توسعه‌ی روستایی تحقّق نخواهد یافت (سعیدی،۱۳۸۴: ۵۵). بر این اساس هر تلاشی در این زمینه، به ویژه با اخذ ترجیحات و پذیرش اجتماعی، می تواند غنیمتی ارزشمند باشد.

ضرورت مطالعه‌ی حاضر در شهرستان مشهد، به دلایلی مانند رشد بی رویّه‌ی کلان شهر مشهد، تعداد فراوان و متراکم روستاها،عدم وجود روستا–شهرهای بر خورداراز ساختار و کارکرد کارآمدو به تبع آن روند گسترده ی مهاجرت از روستاها به مشهد از اهمیّت زیادی برخوردار است. ضمن این که براساس مطالعه‌ی میدانی، تمایل ضعیفی توسط روستانشینان برای بهره گیری از کارکردهای گوناگون شهر مشهد، در صورت تجهیز مکان های پیشنهادی آن ها، ابراز شده است. همچنین، در سطح شهرستان مشهد، بر خلاف تصوّرممکن بین میزان برخورداری دهستان هاو ضریب مشکل دسترسی آن ها به خدمات برتر رابطه‌ی معناداری به دست نیامده است(شایان،۱۳۸۵: ۸۲).به عبارتی بهتر، با وجود رشد شدید انواع خدمات در سه دهه‌ی اخیر، مکان گزینی مراکز خدماتی به گونه ای نبوده است که بتواند مشکلات دسترسی را به طور معنادار کاهش دهد واین ناهنجاری ناشی از نادیده گرفتن فن ارزشیابی سریع مشارکتی دست کم در حد قابل قبول است. بنابراین ضرورت دارد با در نظر گرفتن اولویّت های اجتماعی، سکونتگاه های خدماتی برتر، تعیین، سطح بندی و به موقع نیز تجهیز شوند.

اهمیّت رویکرد مشارکتی درتوسعه‌ی پایدار

توسعه‌ی پایدار خود نوعی پارادوکس است، چرا که دو اصل ناسازگار، یعنی "پایداری زیست محیطی" و "توسعه اقتصادی" را به یکدیگر پیوند می دهد. در واقع کنش میان این دو اصل به دو نوع تفسیر از توسعه‌ی پایدار منتهی می شود. نخست جنبه ی بوم محوری آن که به اکولوژی جهانی اهمیّت

میدهد و دوم جنبه ی انسان محوری ،که توجّه به رفاه و بهزیستی انسان را مقدّم می شمارد(بدری و افتخاری ،۱۳۸۲: ۱۳). واقعیّت آن است که در هر دو محور ،عامل "انسان" از جایگاه پایدار برخوردار بوده و مفاهیمی مانند: ارزش ها، هنجارها، ادراکات، ترجیحات و آرزوهایش بر رفتارهایش تأثیر گذارند. از طرفی در جهت تحقّق توسعهی پایدار دو اصل همیشگی،"مدیریت و دموکراسی"هستندو نکتهی مشترک آن ها نیز مشارکت فعّال اجتماعی است. اولویّت ها در اصل "مدیریت"، تجهیزانرژی، خلاقیّت، آگاهی و حمایت از جوامع محلّی، سازمان ها و شهروندان علاقه مند و اتّخاذ فرایندهایی است که مشارکت جامعه رادر تصمیم گیری تسهیل کند و در مورد اصل "دموکراسی"،دسترسی به اطّلاعات،آزادی بیان و مشارکت فعّال جامعه در تصمیم سازی از جمله ضرورت های بنیادین هستند(Agyeman & Evans , 2004: 162). می توان گفت تحقّق چهار موضوع مهم در توسعهی پایدار وابسته به دو اصل بیان شده است. این چهار موضوع که باید به طور هم زمان مورد توجّه قرار گیرندعبارتانداز: الف) استقرار و به کارگیری فرایند اجتماعی که براساس آن بتوان نیازهای هر فرد را به موقع تشخیص داد، ب) حفاظت مؤثّر از محیط، پ) کاربرد محتاطانه منابع طبیعی، ت) حفظ سطوح بالاو پایدار رشد اقتصادی(Graham &Dave , 2004 : 141).

در بطن این موضوعات ، ضرورت تحقّق فرایندهمکاری در مقیاسهای متفاوت جغرافیایی، به ویژه گسترهی محلّی نهفته است؛ زیرا مردم بدون توجّه به میزان حمایت دولت مرکزی،از مسؤولان محلّی انتظار تأمین کافی زیر ساختهای کالبدی و اقتصادی همراه با امنیّت و ثبات اجتماعی را دارند واگر آن ها قادر به تأمین این نیازها نباشند،احتمالاً بی ثباتی سیاسی عمومیّت مییابد. بی دلیل نیست که در کشورهای پیشرفته، نظارت اجتماعی بر پایه ی تحلیل آگاهانه اطّلاعات و استفادهی مؤثّراز سرمایهی اجتماعی، به معیار امنیّت عمومی تبدیل شده است(شورای اسلامی شهر مشهد ،۱۳۸۶: ۱). بنابراین رویکرد مشارکتی - محلّی در شرایطی می تواند بازده لازم را داشته باشد که حکومت به جای توجّه به محدوده ها و ملاحظات سیاسی در تدوین و اجرای برنامه های توسعه، معیارهای اجتماعی و فرهنگی را مبنا قرار دهد(clout , 2003 : 17).

روشن است که طرح های توسعهی روستایی هم به لحاظ ماهیّت و هم محدودیّت امکانات و منابع دولتی، نیازمند مشارکت مردم در ابعاد وسیع هستند(Jupp , 1998 : 73) بااین وجود می توان یکی از

علل ناکامی طرح‌های توسعه‌ی روستایی ایران را عدم اهتمام به وجوه چهارگانه‌ی مشارکت، شامل مداخله‌ی مردم در تصمیم گیری، نظارت،اجرا و برخورداری از منافع طرح هااز سوی برنامه ریزان و مدیران روستایی دانست(طالب ، ۱۳۷۶، ۹۶).البته، محتوا و خدمات هر طرح باید به گونه ای باشد که دست کم تا اندازه‌ی پاسخ گوی نیازها و مشکلات مردم روستا در زمینه‌ی مورد نظر باشد. در چنین حالتی با درک روستاییان نسبت به مسأله، مشارکت آنان نیز بیشتر، مؤثّرتر و دلسوزانه تر می شود(53 : 1998 , Montogomery). در واقع، مشارکت در حکم وسیله ای برای توزیع دوباره فرصت ها با هدف اتخاذ تصمیم های جمعی، همیاری در توسعه و بهره مندی همگانی از ثمرات آن است(18 : 2003 , World Bank). در این میان اهتمام ویژه به امر آموزش روستاییان جهت قانع کردن آنها به مشارکت از طریق نهادهای مدنی، می تواند منجر به مشارکت مؤثّر آنها درفرایند توسعه شود(cernea , 2003:32).

با توجّه به ادبیات مزبور، ضروری است با کاربرد روش مشارکتی قابل اجرا، امکان مداخله‌ی مستقیم مردم در مهم ترین مرحله‌ی برنامه ریزی، یعنی تصمیم گیری،برای مثال در انتخاب سکونتگاه های خدماتی برتر مهیا شود و در عمل برای ابهام هایی مانند چگونگی بهره مندی سکونتگاه های پیرامونی از تمرکز منابع، حلّ مشکلات دسترسی به عنوان مانع انتشار آثار توسعه و در واقع کارکردی کردن خدمات و نه حضور صرفاً فیزیکی (مهندسان مشاور DHV، ۱۳۷۵: ۱۷۰)راه حلی مؤثّر ارائه داد. نباید فراموش شود که دولت ها قسمتی از مجموعه ی توسعه‌ی روستایی هستند و تقویت زیر ساخت های فیزیکی و نهادی، ترویج مشارکت به وسیله‌ی عناصر و سازمان های روستایی نقش پذیرفته شده ی همه‌ی آنهاست (22 : shepherd , 1998). ولی متأسفانه بیشتر دولت ها بنا بر ماهیّت شکل گیری و نظام فکری مسلّط از ایفای این وظیفه‌ی روشن روی گردان یا غافل هستند. در نتیجه در بخش اعظم توسعه، به ویژه توسعه ی روستایی، نقش دولت هابه پایین ترین سطح ممکن تنزّل یافته و مشارکت مردمی نیز بیشتر در سطح ایدئولوژی،ایده آلیستی و شعاری تبلیغاتی باقی مانده است.

هدف تحقیق

هدف اصلی تحقیق، عبارت است از کاربرد فرایند مشارکتی قابل اجرابه منظور مکان یابی سکونتگاه‌های خدماتی برتر در سطوح منظومه، مجموعه و حوزه‌ی منطبق بر سه اصل مهم ؛ توجیه یا

پذیرش اجتماعی، سهولت دسترسی جغرافیایی و مصوّبات قانونی کشور در مورد آستانه ها(وزارت مسکن و شهر سازی،۱۳۷۸). بدیهی است تجدید نظر نهایی در طرح‌های ساماندهی مراکزو فضاهای روستایی(جهاد سازندگی،۱۳۷۹)،سطح بندی خدمات رسانی روستایی(پاپلی،۱۳۷۴)و روزآمد کردن سطح‌بندی سکونتگاه هادر سطح شهرستان مشهد(شایان،۱۳۸۲)انجام شده است.

روش تحقیق و جامعه‌ی آماری

نوع تحقیق با توجّه به هدف مطالعه از نوع کاربردی و روش بررسی آن مبتنی بر فنّ ارزشیابی مشارکتی برای سنجش سطح پذیرش اجتماعی سکونتگاه های مرکزی پس ازشناسایی کانون های برتر با کاربرد الگوهای جاذبه ،ثقل یابی جغرافیایی -جمعیّتی ، مرکزیّت و ویژگی است. براساس این فن، نقاط ضعف، قوّت و مشکلات مردم بامشارکت مستقیم آن ها مشخص می شود(استعلاجی،۱۷:۱۳۸۱). در گام نخست به منظور آنالیز محیطی با کاربرد ضرایب جاذبه،مرکزیّت،ویژگی و مرکز ثقل جمعیّتی - جغرافیایی، برای هر سکونتگاه فهرستی از یک تا سه سکونتگاه مناسب شناسایی شد. درگام دوم، براساس روش ارزشیابی مشارکتی،اولویّت بندی مراکز پیشنهادی از کلیه ی نمایندگان روستاها شامل دهیار یا رئیس شورای اسلامی اخذ گردید.البته مشارکت کنندگان مجاز بودنداولویّت بندی خودراآزادانه اعلام کنند،هر چند که در فهرست ارائه شده سکونتگاه مورد نظر آن ها ثبت نباشد.بدیهی است به دلیل محدودیّت های کاربرد الگوهای ساختاری و فضایی در قلمرو بررسی های جغرافیایی(بهفروز،۳۴:۱۳۷۰) مانند الگو های تخصیص مکانی که به جنبه های اجتماعی کم توجّه هستند (افتخاری وایزدی،۱۳۸۰: ۵۱)کاربرد روش مذکور در قالب الگوهای ادراکی می تواند مکمّل مناسبی قلمداد شود.به منظور رفع حساسیّت های احتمالی ،در طرّاحی سؤالات پرسشنامه پس از اخذ اطّلاعاتی در مورد امکانات روستا و مشکلات دسترسی به خدمات سایر نقاط، سؤال اصلی به صورت زیر مطرح شد:

"به غیر از روستای خودتان،کدام یک از سکونتگاه های اعلام شده یا سکونتگاه دیگری را برای خدمات رسانی مناسب می دانید.لطفاً با اولویّت های ۱،۲و۳ نظر خود را مشخص کنید؟"

خوشبختانه به غیر از سه روستا (حسن آباددر دهستان سرجام ،تیمورآباد و حسن آباد در دهستان آبروان با مجموع ۱۶۰۸ تن جمعیّت)، همه‌ی جامعه‌ی نمونه به سؤال مطرح شده پاسخ روشن و قابل اطمینانی ارائه

دادند. نگارنده معتقداست باایجادشبکه ی اینترانت برای دهیاران،امکان جمع آوری و تبادل اطّلاعات لازم از روستاهای متعدد و پراکنده با سهولت بیشتری تحقّق خواهد یافت و به دنبال آن کاربرد مؤثّر، سریع و کم هزینه تر فن ارزشیابی مشارکتی در مطالعات روستایی فراگیر می شود.

جامعه‌ی آماری تحقیق شامل کلیه ی ۳۳۹ روستای بالای بیست خانوار شهرستان مشهد با جمعیّتی در حدود ۳۵۰ هزار تن بوده است که در سطح چهار بخش و سیزده دهستان و در مساحتی حدود ۱۰۳۲۵ کیلومتر مربع توزیع شده اند.در این میان ۱۹۹ روستا با جمعیّت ۲۱۵ هزار تن در بخش مرکزی،۶۱ روستا با ۷۵ هزار تن جمعیّت در بخش رضویّه،۴۶ روستا با جمعیّت ۳۰ هزار تن در بخش احمد آباد و ۳۳ روستا با ۳۱ هزار تن جمعیّت در بخش طرقبه قرار دارند.بدیهی است در چنین سطحی با توجّه به هزینه و زمان چاره ای جز نظر سنجی از دهیاران یا رئیس شورا وجود نداشت.بنابراین جامعه‌ی نمونه پیرو هدف و امکان تحقیق شامل کلیه ی دهیاران یا شوراهای اسلامی ۳۳۹ روستای هدف بوده است که به طور مستقیم در تابستان ۱۳۸۶ مورد مصاحبه قرار گرفتند. تعیین ۵۴ سکونتگاه مرکزی و سطح مرکزیّت آنها براساس فرمول زیر تحقّق یافت. بدین گونه که برای سکونتگاه انتخاب شده به عنوان اولویّت نخست ، همه‌ی جمعیّت سکونتگاه های انتخاب کننده، برای سکونتگاه منتخب اولویّت دوم ، نیمی از جمعیّت انتخاب کنندگان و برای سکونتگاه انتخابی به عنوان اولویّت سوم، یک چهارم جمعیّت سکونتگاه های انتخاب کننده در نظر گرفته شدند. برای مثال، سکونتگاه"الف" با ۴۱۰ تن جمعیّت ساکن، از سوی ۲ روستا با جمعیّت ۲۲۵ تن، سه روستا با جمعیّت ۴۲۰ تن و دو روستا با جمعیّت ۵۴۰ تن به ترتیب به عنوان اولویّت‌های نخست، دوم و سوم از نظر قابلیّت مرکزیّت معرّفی شده است. بنابراین با احتساب جمعیّت ساکن درسکونتگاه"الف" به عنوان اولویّت نخست، سطح پذیرش اجتماعی سکونتگاه مزبور بر اساس فرمول پیشنهادی ۹۸۰ تن محاسبه شد.

$$S.A_i = \sum [P_i + (P_1 \times 1) + (P_2 \times 0.5) + (P_3 \times 0.25)]$$

$S.Ai$ = پذیرش اجتماعی برای مرکزیّت i

Pi = جمعیّت سکونتگاه i

$P1$ = جمعیّت سکونتگاههای انتخاب گر i به عنوان اولویّت نخست

جمعیت سکونتگاههای انتخاب گر i به عنوان اولویّت دوم = P2

جمعیّت سکونتگاههای انتخاب گر i به عنوان اولویّت سوم= P3

۹۸۰=[(۵۴۰×۰/۲۵)+(۴۲۰×۰/۵)+(۱×۲۲۵)+۴۱۰] = پذیرش اجتماعی سکونتگاه "الف"

سپس سکونتگاههای خدماتی برتر و سطح مرکزیّت آنها به صورت مراکز منظومه، مجموعه و حوزه با ملاحظه‌ی سطح پذیرش اجتماعی در انطباق با ضوابط مصوّب شورای عالی شهرسازی و معماری کشورمشخص شدند.

یافته های تحقیق

در جدول شماره ۱ به تفکیک دهستان بر اساس پنج الگوی محیطی-خدماتی و نیز ارزشیابی پذیرش اجتماعی، سکونتگاه های برتر مشخص شده اند. ملاحظه می شود بر اساس روش‌های مرکز ثقل و جاذبه در بیشتر دهستان ها تنها یک سکونتگاه بارز را می توان تشخیص داد.هم چنین، بین نتایج آن ها با روش‌های دیگر نیز انطباق مطمئنی برقرار نشده است.اگر چه دو الگو ویژگی و مرکزیّت دارای نتایج یکسانی هستند، امّا با نتایج حاصل از روش ارزشیابی اجتماعی به ویژه در دهستان های تبادکان،شاندیز، میامی،طرقبه و کنویست مغایرت زیادی دارند. اهمیّت موضوع در بخش مرکزی بسیار قابل توجّه است ؛ زیرا هم از مشکل دسترسی رنج می برد و هم با تراکم و فقر شدید جمعیّتی از جانب شمال و شمال غرب، کلان شهر مشهد را مورد تهدید قرار داده است. در فضای نا هنجار حاکم،ضرورت کاهش وابستگی به شهر مشهد کاملاً احساس می شود. عملیّاتی کردن سریع نتایج تحقیق در سطح شش دهستان این بخش می تواند گام مؤثّری در راستای کاهش تهدیدات و وابستگی جمعیّت عظیم حاشیه ی شهر مشهد باشد.در زیر سکونتگاه های مناسب در بخش مرکزی به تفکیک دهستان همراه با سطح پذیرش اجتماعی آن ها ارائه شده است :

۱. دهستان طوس: مشهد قلی (S.A=۴۸۰۲۷)، دوست آباد (S.A=۳۱۶۸۶)، طوس سفلی(S.A=۲۷۳۷۷)، نوده(S.A=۱۹۰۹۷)و مشهد (S.A=۹۰۱۶). جدول شماره۲ به عنوان نمونه نحوه ی محاسبه ی سطح پذیرش اجتماعی مراکز منتخب در دهستان طوس را نشان می دهد.

۲. دهستان تبادکان: شهر مشهد(S.A=۲۱۱۰۵)،گرجی سفلی (S.A=۱۷۴۴۵)، فاز(S.A=۱۳۶۹۱)، سیس آباد (S.A=۱۳۳۱۲)، حسین آباد قرقی(S.A=۱۱۰۰۵)، قرقی سفلی(S.A=۱۰۴۷۰).

۳. دهستان کنه بیست: مشهد(S.A=۱۰۹۶۰)،همت آباد(S.A=۷۵۰۷)، کنه بیست (S.A=۵۵۵۵)، امرغان(S.A=۵۳۵۰)و تبادکان (S.A=۴۸۲۵).

۴. دهستان میان ولایت: عسگریه(S.A=۱۰۴۷۵)،کورده(S.A=۷۵۹۱)، ناظریه(S.A=۵۷۱۸)، ساغروان(S.A=۴۲۵۰)و پایین ده (S.A=۲۷۸۲).

۵. دهستان کارده: کارده(S.A=۶۷۸۸)، مارشک (S.A=۲۹۲۶) و سیج (S.A=۲۱۷۷).

۶. دهستان درزاب : گوارشک(S.A=۸۴۵۰)،انداد(S.A=۶۷۶۲)، مشهد(S.A=۳۵۱۸)،طوس سفلی(S.A=۳۴۹۷)و زاک (S.A=۳۰۴۰).

جدول شماره ۱ سکونتگاه های منتخب براساس پنج الگوی مختلف(۱۳۸۶)

دهستان	مرکز ثقل جمعیتی	ضریب مرکزیت	ضریب ویژگی	جاذبه	پذیرش اجتماعی(S.A)*
طوس	۱.دوست آباد ۲. امیر آباد ۳.اسلامیه	۱. اسلامیه ۲.طوس سفلی	۱. دوست آباد ۲. طوس سفلی ۳. اسلامیه	۱. صیدآباد ۲.اسماعیل آباد ۳. امیرآباد	۱. مشهد قلی ۲. طوس سفلی ۳. دوست آباد
تبادکان	۱. خلق آباد ۲.حسین آبادقرقی	۱. سیس آباد ۲. پرمه ۳. دهرود	۱. سیس آباد ۲. دهرود ۳. پرمه	۱. فاز ۲. گرجی	۱. گرجی ۲. مشهد فاز**
کنویست	امرغان	۱. تبادکان ۲. کنویست ۳. همت آباد	۱. کنویست ۲. تبادکان ۳. قیاس آباد علیا	کنویست	۱. همت آباد ۲. مشهد ۳. کنویست**
میان ولایت	پایین ده	۱. عسگریه ۲. پایین ده ۳. خرابه امین	۱. عسگریه ۲. کورده ۳. پایین ده	عسگریه	۱. عسگریه** ۲. کورده ۳. ساغروان
کارده	کریم آباد	۱. گوش ۲. مارشک ۳. کارده	۱. گوش ۲. مارشک ۳. کارده	۱. مارشک ۲. کارده	۱. کارده** ۲. مارشک ۳. سیج
طرقبه	حصار	۱. حصارگلستان ۲. جاغرق	۱. حصارگلستان ۲. جاغرق ۳. چاهشک	حصار گلستان	۱. طرقبه ۲. مشهد ۳. حصار گلستان**
شاندیز	ارچنگ	۱. ویرانی ۲. نیروگاه ۳. ابرده علیا	۱. ویرانی ۲. نیروگاه ۳. ابرده علیا	ابرده علیا	۱. شاندیز ۲. ابرده علیا ۳. مشهد
پیوه ژن	سلطان آباد	۱. اوارشک ۲. فخرداوود ۳. شاه تقی	۱. اوارشک ۲. فخرداوود ۳. شاه تقی	حسین آباد	۱. بینالود ۲. اوارشک ۳. رباط سفید
سرجام	ملک آباد	۱. ملک آباد ۲. سرغایه	۱. ملک آباد ۲. سرغایه	ملک آباد	۱. ملک آباد** ۲. ده غیبی
میامی	رضویه	۱. قلعه خیابان ۲. احمدآباد ۳. تپه سلام	۱. قلعه خیابان ۲. احمدآباد ۳. تپه سلام	قازقان	۱. تپه سلام ۲. رضویه** ۳. جیم آباد
پایین ولایت	کلاته منار	۱. چاهک ۲. شورک ملکی ۳. کلاته منار	۱. چاهک ۲. شورک ملکی ۳. کلاته منار	چرخشک علیا	۱. چاهک ۲. کلاته منار**
آبروان	سلیمانی	۱. آبروان ۲. نریمانی ۳. آب مال	۱. آبروان ۲. نریمانی ۳. آب مال	سلیمانی	۱. آبروان** ۲. نریمانی ۳. چهل من سنگ سفلی
درزاب	انداد	۱. گوارشک ۲. انداد	۱. گوارشک ۲. انداد	انداد	۱. گوارشک** ۲. انداد ۳. زاک

مآخذ:محاسبات و تحقیقات میدانی. (به دلیل معروف بودن چهار الگوی جاذبه،مرکزیت،ویژگی و مرکز ثقل از توضیح آنها پرهیز شده است).

* بر اساس اولویّت اوّل در پذیرش اجتماعی.

** مراکز سیاسی دهستان.

جدول۲. سطح پذیرش اجتماعی سکونتگاه های خدماتی برتر در دهستان طوس (۱۳۸۶)

مرکز	اولویّت (۱)*				اولویّت (۲)				اولویّت (۳)				پذیرش اجتماعی	رده
	روستا	درصد	جمعیّت	درصد	روستا	درصد	جمعیّت	درصد	روستا	درصد	جمعیّت	درصد		
طوس سفلی	۱۴	۳۲	۲۵۸۷۵	۳۴/۶	۱	۲/۵	۶۷۰	۱	۱	۲/۵	۴۶۷۰	۶/۲	۲۷۳۷۷	۳
دوست آباد	۱۷	۴۰	۲۰۴۵۷	۲۷/۴	۱۳	۳۰	۲۲۱۲۵	۲۹/۵	۱	۲/۵	۶۷۰	۱	۳۱۶۸۶	۲
مشهد قلی	۶	۱۴	۴۰۸۱۵	۵۴/۷	۵	۱۱/۵	۸۵۲۲	۱۱/۵	۱۴	۳۲	۱۱۸۴۵	۱۶	۴۸۰۳۷	۱
نوده	۳	۷	۱۵۴۹۷	۲۰/۸	۱	۲/۵	۷۲۰۰	۹/۵	–	–	–	–	۱۹۰۹۷	۴
چهل حجره	۲	۵	۷۳۴۵	۹/۸	–	–	–	–	–	–	–	–	۷۳۴۵	۶
اکبرآباد	۱	۲/۵	۱۳۱۵	۱/۷	۹	۲۰	۵۶۷۴	۷/۵	–	–	–	–	۴۱۵۲	۷
مشهد	–	–	–	–	۳	۷	۱۲۶۸۵	۱۷	۴	۹/۳	۱۰۶۹۷	۱۴/۳	۹۰۱۶	۵

در سطح بخش "مشهد قلی" با مجموع پذیرش اجتماعی (S.A) معادل ۴۸۰۳۷ تن به عنوان مرکز منظومه،"دوست آباد و طوس سفلی" به ترتیب با ۳۱۶۸۶و۲۷۳۷۷ تن به عنوان مراکز منظومه، "نوده و گرجی سفلی ، سیس آباد، حسین آباد قرقی، قرقی سفلی، عسگریه و گوارشک" به عنوان مراکز مجموعه قوی و متوسط،" کورده، همت آباد، چهل حجره، کارده، انداد و کنه بیست" به عنوان مراکز مجموعه ضعیف و دوازده روستا هم به عنوان مراکز حوزه‌ی قوی و ضعیف انتخاب شدند.اهمیّت شهر مشهد تنها برای دهستان‌های تبادکان و کنه بیست، که کانون های اصلی جمعیّتی آن ها در حال ادغام به شهر مشهد هستند، قابل ملاحظه است.

● *بخش طرقبه*: این بخش به دلیل جاذبه های توریستی و وجود دو شهر طرقبه و شاندیز و نیز مهاجر فرستی گسترده در طی دو دهه‌ی اخیر دارای اهمیّت زیادی شده است. نتیجه‌ی تحقیق نشان می دهد که هر دو شهر طرقبه و شاندیز از سطح پذیرش اجتماعی مناسبی برخوردارند. به ویژه دردهستان شاندیز که در آن شهر شاندیز با پذیرش اجتماعی ۹۲۲۷ تن فاصله‌ی زیادی با شهر مشهد(S.A=۶۴۰۰)،ابرده علیا(S.A=۵۱۵۰) وارچنگ(S.A=۳۵۵۰)دارد. بنابراین تجهیز این شهر می‌تواند تأثیر فراوانی بر تقویت روابط درون دهستانی و برقراری تعادل عملکردی داشته باشد. شهر طرقبه در دهستان طرقبه با پذیرش اجتماعی کل ۱۱۵۶۰ تن نسبت به مشهد(S.A=۱۰۳۱۲)فاصله ی چندانی ندارد، ولی با توجّه به این که هشت روستا با جمعیّت۹۴۳۵ تن برای آن اولویّت نخست قائل شده اند (در مقابل چهار روستا با ۴۸۰۰

تن جمعیّت برای مشهد) می‌توان جایگاه و نقـش برتـر آن را درک کـرده و بـه تـأثیر فـضایی عملکـردهـای بیشتر در آن اطمینان داشت. در مجموع، "شهرهای شاندیز و طرقبه" با احتساب جمعیّت خودشـان بـه عنـوان مراکز منظومه ضعیف و روستاهای "ابرده، حصار، ارچنگ، مغان و نقندر" بـه عنـوان مراکـز حـوزه انتخـاب شده اند.

●*بخش احمد آباد*: این بخش مرکّب از دو دهستان سرجام و پیوه ژن در مـسیر جـاده مهـم تهـران قـرار گرفتـه و شـهر جدیـد بینـالود در حـال احـداث در آن اسـت. سـطح پـذیرش اجتمـاعی بـالای ایـن شهر (S.A=۷۳۰۰) نشان می دهد که موقعیّت استقرار آن در دهستان پیوه ژن مناسب است. در همـین دهـستان ،روستاهای اوارشک، دیزباد سفلی و رباط سفید به ترتیب با پـذیرش اجتمـاعی ۵۹۵۶، ۵۱۲۷ و ۵۰۷۰ تـن در رتبه های بعدی قرار دارند. در دهستان سـرجام، شـهر کوچـک ملـک آبـاد، تنهـا مرکـز مطـرح بـا پـذیرش اجتماعی ۷۲۶۵ تنی است. بنابراین در این بخش در آینـده بیـشتر بایـد روی بینـالود حـساب کـرد؛ زیـرا هـم جمعیّت بیشتری را به دلیل استقرار واحد هـای صـنعتی جـذب خواهـد کـرد و هـم روسـتاهای پـر جمعیّـت اوارشک و دیز باد سفلی را در مجاور خود زیـر نفـوذ خواهـد گرفـت. در مجمـوع دو شـهر "ملـک آبـاد و بینالود" در حال حاضر به عنوان مراکـز مجموعـه و "اوارشـک، دیزبـاد سـفلی و ربـاط سـفید" بـه صـورت مراکز حوزه قوی و "امام تقی" به عنوان مرکز حوزه‌ی ضعیف مطرح هستند.

●*بخش رضویه*: ایـن منطقـه عمـدتاً در مـسیر جـاده سـرخس، شـرایط متفـاوتی را در مقایـسه بـا دیگـر بخش‌ها تجربه می کند. کوچکی سکونتگاهها، پراکنـدگی بیـشتر، ضـعف هـای اساسـی بـه ویـژه از لحـاظ منابع آب و خاک از جمله‌ی این تفاوت هاست. برای دهستان پایین ولایت، مراکز برتر منتخب عبـارت‌انـد از : چاهـک (S.A=۵۱۳۲)، آبـروان ـ واقـع در دهـستان آبـروان ـ(S.A=۳۹۹۲) و کلاتـه منـار (S.A=۳۵۲۹). دردهستان آبروان ؛ روستاهای آبروان (S.A=۱۲۸۱۴) و نریمـانی (S.A=۸۲۶۰) و شـهر رضـویه (S.A=۶۸۵۰) و بـرای دهـستان میـامی؛ شـهر رضـویه (S.A=۲۰۵۰۰) ، روسـتاهای تپـه سـلام (S.A=۱۲۳۵۰)، جـیم آبـاد (S.A=۱۰۲۷۴)، قازقان (S.A=۸۸۴۰) و میامی (S.A=۳۳۳۰).

خوشبختانه در این بخش گرایش به سوی مشهد ناچیز است و با تجهیـز سـکونتگاههای منتخـب امکـان خوداتکایی در آن زیاد است. در این میان "شهر رضـویه" بـه عنـوان مرکـز منظومـه، آبـروان و تپـه سـلام بـه

صورت مراکز مجموعه قوی،" جیم آباد ، نریمانی و قازقان" ، مراکز مجموعه متوسط و" چاهک، کلاته منار و چهل سنگ سفلی" به عنوان مراکز حوزه قادرند به ایفای نقش هایی بیش از میزان فعلی بپردازند.

نتیجه‌گیری نهایی

همان گونه که از جدول شماره‌ی۱ پیداست ، تنها در دهستان‌های میان ولایت، سرجام، پایین ولایت، آبروان و درزاب میان نتایج روش‌های آنالیز محیطی–خدماتی با ارزشیابی اجتماعی هم‌گونی وجود دارد. جدول شماره‌ی۳ به عنوان حاصل نهایی مطالعه، سکونتگاه ها ی خدماتی برتر را همراه با سطح پذیرش اجتماعی به تفکیک اولویّت های نخست و سه گانه و نیز سطوح مرکزیّت هر کدام نشان می دهد.

مقایسه‌ی نتایج نهایی با طرح‌های پیشین نشان می دهد که روستاهای کنگ، سرغایه، فخرداوود، سلطان آباد، ازغد، ده غیبی، خور علیا، رضوان و دوله از مرکزیّت خارج و مجموعه‌ی بینالود به آنها اضافه شده است. هم چنین سطح مرکزیّت روستاهای چهل حجره، طوس سفلی، همت آباد، جیم آباد و نریمانی برعکس روستاهایی مانند تبادکان، امام تقی، ابرده علیا و شهر ملک آباد ارتقاء یافته است.

از نظر انطباق مراکز سیاسی دهستان با پذیرش اجتماعی می توان به تناقض این دو در دهستان‌های طوس و پیوه ژن و تا حدّی شاندیز اشاره کرد ؛ زیرا در آنها به ترتیب دوست آباد ، اوارشک و ابرده علیا نسبت به مراکز فعلی دهستان یعنی کاظم آباد ، امام تقی وارچنگ، پذیرش اجتماعی بالاتری دارند .

در نهایت ۵۴ مرکز اصلی در سطح شهرستان شناسایی شده اند. این مراکز شامل دو مرکز منظومه‌ی قوی (مشهد و مشهدقلی)، چهار منظومه‌ی ضعیف (شاندیز ، طرقبه ، طوس سفلی، رضویه)، پنج مجموعه‌ی قوی (دوست آباد ، نوده ، گرجی سفلی ، آبروان ، تپه سلام)، هشت مجموعه‌ی متوسط ، نه مجموعه‌ی ضعیف ،دوازده حوزه‌ی قوی و چهارده حوزه ی ضعیف هستند. البته روستاهای چاهشک، جاغرق، ویرانی، مردارکشان و کال زرکش به عنوان مراکز حوزه‌ی مستقل و قلعه نو عوارض و دهرود، مراکز مجموعه ی مستقلی هستند که دو تای آخر تقریباً در شهر ادغام شده اند.

جدول۳. اولویّت بندی سکونتگاه های خدماتی برتر برحسب سطح پذیرش اجتماعی۱۳۸۶

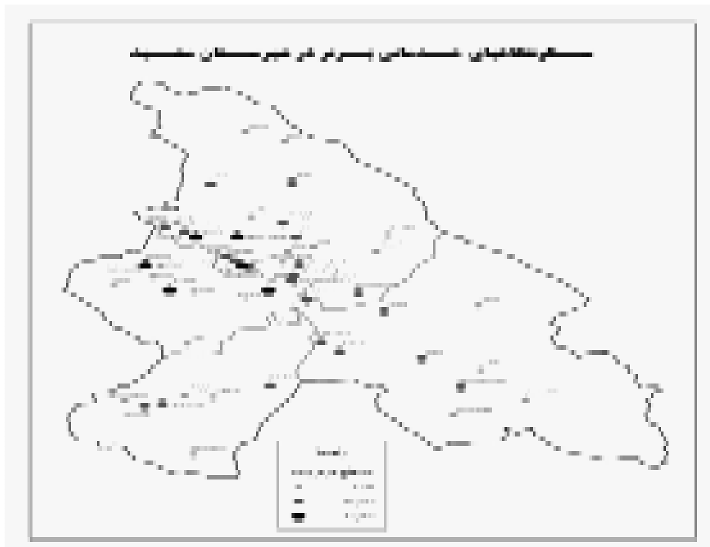
مرکز	اولویّت نخست(نفر)	رتبه	اولویّت های سه گانه(نفر)	رتبه	سطح مرکزیت
مشهدقلی	۴۰۸۰۰	۱	۴۹۳۷۰	۲	منظومه قوی
طوس سفلی +	۲۷۸۰۰	۲	۳۰۹۰۰	۴	منظومه ضعیف
مشهد*	۲۴۸۰۰	۳	۵۸۰۰۰	۱	منظومه قوی
دوست آباد	۲۱۵۰۰	۴	۳۳۲۴۰	۳	مجموعه قوی
نوده	۱۵۵۰۰	۵	۱۹۰۰۰	۶	مجموعه قوی
گرجی سفلی	۱۵۲۰۰	۶	۱۷۵۰۰	۷	مجموعه قوی
رضویه –	۱۳۵۰۰	۷	۲۹۳۰۰	۵	منظومه ضعیف
آبروان	۱۲۴۰۰	۸	۱۶۸۰۰	۸	مجموعه قوی
تپه سلام	۱۲۲۰۰	۹	۱۲۳۵۰	۱۱	مجموعه قوی
فاز	۱۱۸۱۸	۱۰	۱۳۶۹۱	۹	مجموعه متوسط
ملک آباد –	۹۸۰۰	۱۱	۱۱۰۰۰	۱۳	مجموعه متوسط
حسین آبادقرقی	۹۷۰۰	۱۲	۱۱۰۰۰	۱۴	مجموعه متوسط
جیم آباد +	۹۵۰۰	۱۳	۱۰۳۰۰	۱۷	مجموعه متوسط
طرقبه*	۹۴۳۵	۱۴	۱۱۵۶۰	۱۲	منظومه ضعیف
قازقان	۸۳۰۰	۱۵	۸۹۰۰	۱۹	مجموعه متوسط
نریمانی +	۸۲۶۰	۱۶	۸۲۶۰	۲۱	مجموعه متوسط
سیس آباد	۷۵۰۰	۱۷	۱۳۳۰۰	۱۰	مجموعه متوسط
چهل حجره+	۷۳۵۰	۱۸	۷۳۵۰	۲۴	مجموعه ضعیف
قرقی سفلی	۷۲۰۰	۱۹	۱۰۵۰۰	۱۶	مجموعه متوسط
بینالود	۷۰۶۰	۲۰	۷۳۰۰	۲۵	مجموعه ضعیف
عسگریه	۷۰۰۰	۲۱	۱۰۵۰۰	۱۵	مجموعه ضعیف
همت آبادکنویس +	۶۷۰۰	۲۲	۷۵۰۰	۲۳	مجموعه ضعیف
کورده	۶۳۰۰	۲۳	۷۶۰۰	۲۲	مجموعه ضعیف
شاندیز*	۶۲۲۷	۲۴	۹۲۲۷	۱۸	منظومه ضعیف
گوارشک	۵۸۰۰	۲۵	۸۵۰۰	۲۰	مجموعه ضعیف
کارده	۵۵۰۰	۲۶	۶۸۰۰	۲۶	مجموعه ضعیف
کنویست	۵۲۰۰	۲۷	۵۵۰۰	۲۹	مجموعه ضعیف
رباط سفید	۵۰۲۰	۲۸	۵۰۷۰	۳۴	حوزه قوی

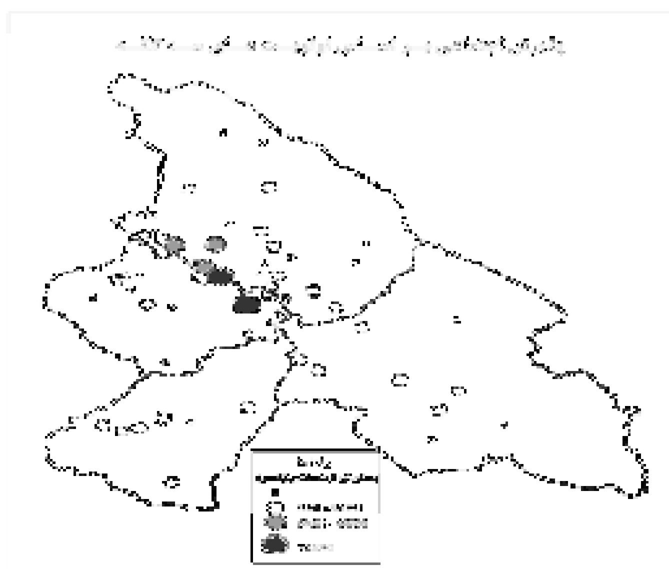
اوارشک	۵۰۰۰	۲۹	۶۰۰۰	۲۸	حوزه قوی
امرغان	۴۹۵۰	۳۰	۵۳۵۰	۳۰	حوزه قوی
دیزبادسفلی	۴۹۰۰	۳۱	۵۱۵۰	۳۱	حوزه قوی
انداد	۴۸۰۰	۳۲	۶۷۵۰	۲۷	مجموعه ضعیف
ابرده علیا –	۴۶۰۰	۳۳	۵۱۵۰	۳۲	حوزه قوی
خلق آباد	۴۴۰۰	۳۴	۴۷۰۰	۳۷	حوزه قوی
حصارگلستان	۴۱۵۰	۳۵	۴۱۵۰	۳۹	حوزه قوی
چاهک	۴۱۲۰	۳۶	۵۱۳۰	۳۳	حوزه قوی
تبادکان –	۴۰۰۰	۳۷	۴۸۰۰	۳۵	حوزه قوی
احمدآباد(کنویست)	۳۸۰۰	۳۸	۴۵۰۰	۴۰	حوزه قوی
فرخد	۳۷۵۰	۳۹	۴۶۵۰	۳۸	حوزه قوی
ساغروان	۳۶۰۰	۴۰	۴۲۵۰	۴۱	حوزه ضعیف
کلاته منار	۳۵۳۰	۴۱	۳۵۳۰	۴۴	حوزه ضعیف
ارچنگ	۳۲۰۰	۴۲	۳۵۵۰	۴۵	حوزه ضعیف
نقندر	۳۱۵۰	۴۳	۳۱۵۰	۴۷	حوزه ضعیف
زشک	۳۱۰۰	۴۴	۳۳۳۰	۴۶	حوزه ضعیف
میامی	۳۰۰۰	۴۵	۳۱۰۰	۴۸	حوزه ضعیف
زاک	۳۰۰۰	۴۶	۳۰۰۰	۴۹	حوزه ضعیف
مارشک	۲۹۰۰	۴۷	۲۹۰۰	۵۰	حوزه ضعیف
پایین ده	۲۸۰۰	۴۸	۲۸۰۰	۵۱	حوزه ضعیف
مغان	۲۷۵۰	۴۹	۲۷۵۰	۵۲	حوزه ضعیف
پرمه	۲۷۰۰	۵۰	۴۷۵۰	۳۶	حوزه قوی
چهل من سفلی	۲۴۰۰	۵۱	۲۷۵۰	۵۳	حوزه ضعیف
سیج	۲۲۰۰	۵۲	۲۲۰۰	۵۴	حوزه ضعیف
شاه تقی –	۱۹۰۰	۵۳	۳۸۰۰	۴۳	حوزه ضعیف
اکبر آباد	۱۳۰۰	۵۴	۴۱۵۰	۴۲	حوزه ضعیف

* سطح پذیرش اجتماعی نقاط شهری، بدون محاسبه جمعیت ساکن در آنها محاسبه شده است.

+ سکونتگاه هایی که نسبت به طرح های پیشین(۱۳۷۹،۱۳۷۴و ۱۳۸۲) ارتقای سطح یافته اند.

– سکونتگاه هایی که نسبت به طرح های پیشین(۱۳۷۹،۱۳۷۴و ۱۳۸۲)تنزل سطح پیدا کرده اند.





منابع ومآخذ

۱. آسایش، حسین،۱۳۷۶، *برنامه ریزی روستایی در ایران*، انتشارات پیام نور.

۲. استعلاجی،علیرضا،۱۳۸۱، " *بررسی و تحلیل رویکردها و راهبردهای توسعه‌ی روستایی*"، مجلّه‌ی جهاد، شماره ۲۴۲.

۳. افتخاری،عبدالرضاو ایزدی خرامه،حسن، ۱۳۸۰،" *تحلیلی بر رویکردهای مکان یابی و توزیع خدمات در مناطق روستایی*"، فصلنامه‌ی تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۲.

۴. بدری،سیدعلی و افتخاری،عبدالرضا،۱۳۸۲، "*ارزیابی پایداری: مفهوم و روش*"، فصلنامه‌ی تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۹.

۵. بهفروز، فاطمه، ۱۳۷۰، "*بررسی‌های ادراک محیطی و رفتار در قلمرو مطالعات جغرافیای رفتاری و جغرافیای انسانی معاصر*" ، فصلنامه‌ی تحقیقات جغرافیایی، شماره ۲۰.

۶. پاپلی، محمدحسین،۱۳۷۴، "*نظام سطح بندی خدمات رسانی روستایی استان خراسان*"، سازمان مدیریت و برنامه ریزی.

۷. جهاد سازندگی،۱۳۷۹، *ساماندهی مراکز و فضاهای روستایی دراستان خراسان.*

۸ جهانی، مهدی،۱۳۷۵، " *برنامه ریزی روستایی در ایران ، نمونه دشت گرمسار*"،فصلنامه تحقیقات جغرافیایی،شماره ۴۰.

۹. حسینی ابری، سیدحسن، ۱۳۸۰، *مدخلی بر جغرافیای روستایی ایران*،انتشارات دانشگاه اصفهان.

۱۰. رضوانی، محمدرضا،۱۳۸۳، *مقدمه ای بر برنامه ریزی توسعه روستایی در ایران*، انتشارات قومس.

۱۱. رهنما، محمدرحیم ،۱۳۸۵ ، "*گذر از برنامه ریزی معیارگرا به برنامه ریزی حل مشکل اصلاحی*"، مجموعه مقالات کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری، جلد دوم، مشهد.

۱۲. سازمان برنامه و بودجه،۱۳۷۸، *سند برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.*

۱۳. سعیدی، عباس،۱۳۸۴، "*ناکارآمدی ساختاری- عملکردی نظام‌های فضایی ناحیه ای* ، فصلنامه جغرافیا و *توسعه ناحیه ای*" ، دانشگاه فردوسی ، شماره ۵.

۱۴. شایان، حمید، ۱۳۸۲ ، *بهنگام سازی سطح بندی خدمات رسانی روستایی استان خراسان*، سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان خراسان.

۱۵. ـــــــــــــ، ۱۳۸۵، *روند رشد و مکان یابی خدمات برتر در سکونتگاههای روستایی مشهد*، طرح پژوهشی، دانشگاه فردوسی.

۱۶. شورای اسلامی شهر مشهد، ۱۳۸۶ ، "*آشنایی با مدیریت شهری: دو تجربه‌ی کوچک*"، نشریه ۵۳.

۱۷. طالب، مهدی، ۱۳۷۶ ، مدیریت روستایی در ایران، انتشارات دانشگاه تهران.

۱۸. مطیعی لنگرودی، سید حسن، ۱۳۸۲ ، *برنامه ریزی روستایی با تأکید بر ایران*، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.

۱۹. مهندسان مشاور HDV هلند، ۱۳۷۵ ، *رهنمودهایی برای برنامه ریزی مراکز روستایی*، جلد دوم، سلسله انتشارات روستا و توسعه.

۲۰. وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۷۸ ، *مصوّبه نهایی الگوی سطح بندی مناطق روستایی و استانداردها و ضوابط ارائه خدمات روستایی کشور*، شورای عالی شهرسازی و معماری.

21. Agyeman J. & Evans. B,2004, *Just Sustainability*, The Geographical Journal , Vol .170 ,No.2.

22. Cernea M., 2003, *The Building Blocks of Participation*, Washington.

23. - Clout H.,2003. *European Experience o f Rural Development* , London , Rural Development Commission .

24. Graham H. & Dave .C,2004, *Regions and sustainable development : regional* , planning -matters , The Geographical Journal ,Vol . 170, No. 2.

25. Jupp D.,1998, *Community Participation in Rural Infrastructure Development*, RRMIMP , Indonesia.

26. Montogomery J. , D.,1998, *Social capital-Research Notes*, Harvard University-

27. Shepherd A.,1998, *Sustainable Rural Development*, New York.

28. World Bank, 2003, *World Development Report*.

مشخصات نویسنده:

دکترحمید شایان، دانشیار گروه جغرافیای دانشگاه فردوسی مشهد